

مجموعه مقالات

«همایش ملی جغرافیای سیاسی کاربردی»



۱۸ مهر ۱۳۹۱

تهران - دانشگاه تربیت مدرس

برگزار کنندگان:

انجمن ژئوپلیتیک ایران
سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا
شهرداری تهران (معاونت برنامه ریزی و توسعه شهری)

مشارکت کنندگان:

دانشگاه خوارزمی
دانشگاه تربیت مدرس
استاندارداری خراسان رضوی
دانشگاه صنعتی سهند تبریز
سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
بنیاد فرهنگی دکتر عباس مصلی نژاد
موسسه آموزش عالی خردگرایان مطهر
دانشکده فنی نقشه برداری سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

حامیان:

کمیته پدافند غیر عامل وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری
دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی
دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور
دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران
دانشگاه فردوسی مشهد
دانشگاه شهید بهشتی
دانشگاه آزاد اسلامی
دانشگاه اصفهان

فهرست مطالب

تبیین فلسفی ساختارسازی حکومتها مبتنی بر جغرافیای سیاسی (با تأکید بر ایران)	
دکتر محمدرضا حافظ‌نیا.....	۱
بررسی نقش ارتقای سطوح سیاسی تقسیمات کشوری در توسعه ناحیه‌ای با تأکید بر تشکیل شهرستان خرم‌بید	
دکتر زهرا احمدی‌پور-حسن جعفرزاده.....	۱۱
نظام تقسیمات کشوری و توسعه نظام شهری؛ (مطالعه موردی: مناطق ساحلی جنوب ایران)	
دکتر جواد اطاعت-روح اله نیکزاد.....	۲۴
تغییرات آب و هوایی و نقش آن در امنیت پایدار	
دکتر سید هادی زرقانی-دکتر عباس مفیدی-مهدی شفیعی‌نیا.....	۴۴
بررسی اثرات آمایش مناطق مرزی بر افزایش امنیت پایدار؛ نمونه موردی: استان خراسان رضوی	
دکتر هادی اعظمی-دکتر هادی زرقانی-فاطمه رسولی‌پور.....	۶۱
سازماندهی سیاسی فضا در ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی	
دکتر سیدعباس احمدی-سید محمد سیدی اصل-سعید رحیمی هرابادی.....	۷۹
نگرش سیستمی، رویکردی جغرافیایی برای پرداختن به ژئوپلیتیک منطقه‌ای	
دکتر حسین ربیعی-مسلم نامدارزاده-عباس موسوی.....	۹۳
ارزیابی نقش شهرهای مرزی در توسعه و امنیت ملی	
دکتر زهرا پیشگاهی‌فرد-حجت مهکویی-فاطمه رسولی‌پور.....	۱۰۵
جایگاه کاربرد حل مسئله در جغرافیای سیاسی	
دکتر محمدرئوف حیدری‌فر.....	۱۲۵
الزامات نوین ژئوپلیتیک خلیج فارس و کارکردهای سیاسی-استراتژیک آن در تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران	
دکتر نبی‌الله رشو.....	۱۴۳
ارزیابی راهبردی و تدوین متدولوژی‌های بهینه حوزه سیاسی مدیریت محلی ایران (مطالعه موردی: شورای اسلامی شهر مشهد)	
دکتر محمدرضا بمانیان-محمد هادی جاویدی-سید علی حسین‌پور-مصطفی شمشیربند.....	۱۶۵
سیاست تبدیل روستا به شهر در ایران؛ چالش‌ها و پیامدها	
دکتر حسن ایزدی.....	۱۸۹
ساماندهی سکونتگاههای غیررسمی گامی در جهت توسعه پایدار شهر آمل؛ مطالعه موردی: محله دباغ چال و شاد محله	
زهرا زمانی-مسلم نامدارزاده-سید شکرالله برزگر.....	۲۰۸
نقش و جایگاه دیپلماسی شهری در برقراری صلح و توسعه	
دکتر سید هادی زرقانی-دکتر محمد جواد رنجکش-منصوره اسکندران.....	۲۲۲
بررسی نقش امنیت در توسعه گردشگری پایدار ایران	
دکتر عبدالفرجی-سکینه امینیان-ابراهیم صادقی.....	۲۳۶

نقش و جایگاه دیپلماسی شهری در برقراری صلح و توسعه

دکتر سیدهادی زرقانی* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر محمد جواد رنجکش - استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه فردوسی مشهد
منصوره اسکندران - دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

چکیده

تغییر و تحول در نظام بین‌المللی و اهمیت یافتن هرچه بیشتر بازیگران غیردولتی به ایجاد اشکال جدیدی از دیپلماسی منجر گردیده است. یکی از عرصه‌های نوین دیپلماسی که توسط برخی کشورها به خوبی به کار گرفته می‌شود، دیپلماسی شهری است. امروزه با گسترش فرآیند جهانی شدن در چارچوب «فضای جریانها»، دیپلماسی شهری به یکی از ابزارهای کارآمد کنش در فضای بین‌المللی با هدف ایجاد صلح و توسعه اقتصادی تبدیل شده است. این نوع دیپلماسی بر روندهایی دلالت دارد که شهرها از طریق آن با دیگر بازیگران ارتباط برقرار نموده و خود و منافع خود را عرضه می‌کنند؛ در واقع شهرها در این چارچوب، از طریق تلاش برای برقراری صلح و ایجاد بستری مناسب توسعه به بازیگران برجسته‌ای در حوزه کمک به توسعه محلی و فعالیت‌های بین‌المللی تبدیل شده‌اند. در این راستا ایجاد تعامل بین مراکز شهری بزرگ به منظور همکاری بین بخش‌های مختلف دولتی، عمومی و خصوصی و همچنین استفاده از فرصت‌های مختلف در نیل به توسعه اقتصادی بسیار مهم تلقی می‌شوند. به‌طور قطع، یکی از مناسب‌ترین زمینه‌های تعامل، توجه به فرصت‌های حوزه مشارکت اقتصادی - اجتماعی از طریق سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و حمایت مالی از پروژه‌های مشترک بخش‌های مختلف می‌باشد که در آن بازیگران متفاوتی از جمله شهرداری‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی دیپلماسی شهری در کنار سایر سازمان‌های غیردولتی نقشی اساسی دارند. این مقاله تلاش دارد با روشی توصیفی - تحلیلی نقش و جایگاه دیپلماسی شهری را در جهت برقراری صلح، رفاه و توسعه اقتصادی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی شهری، توسعه، صلح، بازیگران نظام بین‌الملل.

۱- مقدمه

دوفرايند جهانی شدن و چندجانبه‌گرایی به بسط و گسترش روابط دولتها و ساير بازیگران حوزه روابط بین‌الملل کمک کرده است (Dembinski, 1988, 4-5). پیش از این سنت دیپلماسی مبتنی بر اصل چانه زنی و در انحصار دولت تعریف می‌شد اما با آغاز فرایند جهانی شدن و فراهم شدن فضا برای فعالیت ساير بازیگران دولتی و غیردولتی، شکل‌های جدیدی از دیپلماسی پدیدار شد تا کسب منفعت در حوزه بین‌المللی در تمامی سطوح محلی و جهانی را برای بازیگران تضمین نماید.

تغییرات جهانی و ورود به جهان ارتباطات و اطلاعات باعث شده است تا دیپلماسی نیز تغییراتی را تحت تأثیر جهان امروزی پذیرا شود. مدیریت و حل مسائل و مشکلات ناشی از جهانی شدن، علاوه بر سیاست تمرکززدایی و ایجاد دولت محلی، همکاری و مشارکت همه‌جانبه بین‌المللی و همچنین سهیم شدن در حکمرانی جهانی را می‌طلبد (قورچی، ۱۳۸۸، ۷). به عقیده صاحب نظران کارکرد دیپلماسی جدید با عنوان دیپلماسی عمومی تنها روابط عمومی و انتقال اطلاعات و ایجاد یک تصویر مثبت نیست، بلکه دیپلماسی عمومی شامل برقراری روابط طولانی مدتی است که محیط سازنده‌ای را برای سیاست‌های حکومت فراهم می‌کند (نای، ۱۳۸۷، ۱۹۴).

دیپلماسی عمومی به جهت تحول در ساختار قدرت جهان و جابه‌جایی منابع قدرت از سخت به نرم از یک‌سو و افزایش نقش افکار عمومی در مناسبات بین‌المللی، تأثیرگذاری فرهنگ بر روابط بین‌الملل و تأثیرگذاری مردم در تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی از سوی دیگر جایگاه بسیار ممتازی را در راهبردهای سیاسی-امنیتی کشورها پیدا کرده است؛ از این‌رو دیپلماسی عمومی در تمامی مراحل با فعالیت‌های دیپلماسی خارجی مشارکت می‌کند (Rourke, 2008, 273). کشورهای گوناگون کاربردهای متفاوتی را از دیپلماسی در حوزه‌های مختلف دیپلماسی عمومی ارائه می‌کنند. به‌طور مثال برخی از کشورها مانند نروژ دیپلماسی خود را از طریق عملی اجرا می‌کنند. این کشور با تمرکز بر یک پیام واحد، نروژ را به‌عنوان نیرویی برای صلح جهانی معرفی می‌کند. فعالیت‌های نروژ در این رابطه شامل وساطت در تعارضات خاورمیانه، سریلانکا و کلمبیا و شرکت متوالی در نیروهای حافظ صلح است (نای، ۱۳۸۷، ۲۰۱-۲۰۰).

شرایط جدید جهانی سه فرض اصلی را در اهمیت کاربرد دیپلماسی عمومی برای دولتها مطرح می‌کند: اول، دولتها در قرن بیست و یکم دیگر نمی‌توانند مشکلات سیاست خارجی خود را به تنهایی حل کنند بلکه نیازمند عملکرد بخش خصوصی خود نیز هستند. دوم، شهروندان امروزه خواهان مسئولیت‌پذیری و شفافیت بیشتر دولتها هستند. سوم، سیاست خارجی و سیاست داخلی به شدت در هم تنیده شده‌اند و دیگر نمی‌توان هر یک را جداگانه تعریف کرد (Melissen, 2011, 3). جهانی شدن همچون تمامی ابعاد حیات بشری، شهرها و زندگی شهریرا تحت تأثیر قرار داده است. شهرها به‌عنوان محل جریان یافتن سرمایه‌ها، شبکه‌ای از نقاط سرمایه‌ای را تشکیل می‌دهند (قورچی، ۱۳۸۸، ۷). تغییرات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در مقیاس جهانی، اثرات بنیادین در تجدید سازمان و بازساخت شهرهای جهان بر جای می‌گذارد. پیوستن روزافزون شهرها به جریان‌های جهانی، عامل اصلی است که با تحول شهری در رابطه‌ای تنگاتنگ قرار دارد. شهرها به‌طور فزاینده‌ای در معرض تأثیرات و نفوذ جهانی شدن قرار دارند (شورت، ۱۳۸۲، ۱۴). از آنجا که هیچ کلان‌شهری به تنهایی قادر به

مدیریت و حل چالش‌های مشترک نیست و نیازمند همکاری‌های بین‌المللی دو جانبه و چند جانبه در بستر نهادها، انجمن‌ها و سازمان‌های تخصصی بین‌المللی می‌باشد، دیپلماسی در قالبی جدید با عنوان دیپلماسی شهری پدید می‌آید (قورچی، ۱۳۸۸، ۷). این نوع دیپلماسی بر روندهایی دلالت دارد که شهرها از طریق آن با دیگر بازیگران ارتباط برقرار نموده و خود و منافع خود را عرضه می‌کنند. یکی از کارکردهای جدید شهرها در قالب دیپلماسی شهری فعالیت آنها در زمینه برقراری صلح و توسعه است؛ در واقع شهرها در این چارچوب، از طریق تلاش برای برقراری صلح و ایجاد بسترهای مناسب توسعه به بازیگران برجسته‌ای در حوزه کمک به توسعه محلی و فعالیت‌های بین‌المللی تبدیل می‌شوند.

۲- روش تحقیق

سوال اصلی این مقاله آن است که در فضای متأثر از جهانی شدن که تمامی ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، شهرها به‌عنوان بازیگر جدید عرصه بین‌المللی چگونه و با چه شیوه‌ها و کارکردهایی به ایفای نقش می‌پردازند. مفروض این مقاله آن است که امروزه شهرها از طریق گسترش روابط اقتصادی و توسعه و مشارکت در زمینه‌های زیر ساختی و رفاهی و همچنین با گسترش تعاملات فرهنگی، در زمینه برقراری صلح و امنیت نقش مهمی ایفا کرده و به بازیگری فعال در عرصه نظام بین‌الملل تبدیل شده‌اند. بر این اساس، در این پژوهش تلاش شده است تا به شیوه اسنادی و با روش توصیفی-تحلیلی نقش و کارکرد شهرها به‌عنوان یک بازیگر جدید در عرصه روابط بین‌الملل در زمینه گسترش صلح، مشارکت در جلوگیری از وقوع درگیری و حل اختلافات مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.



۳- مبانی نظری

۳-۱- جهانی شدن

جهانی شدن در برگیرنده فرایند ادغام حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است که عمدتاً پس از پایان جنگ سرد و اواخر قرن بیستم مورد توجه ویژه قرار گرفته است. جهانی شدن منعکس کننده ارتباطات و پیوندهای متقابلی است که فراتر از مرزها و جوامع ملی گسترش می‌یابند به طوری که رویدادها، تصمیم‌ها و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان، آثار سریع (مثبت یا منفی) بر دیگر نقاط جهان دارند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸، ۶۰). فرایند جهانی شدن مباحث را از قلمرو عمومی ملی به سطح جهانی تغییر داده و زمینه ظهور جامعه مدنی جهانی را فراهم کرده است (وحیدی، ۱۳۸۹، ۳۲). با توجه به تعاریف مختلف از جهانی شدن، این اجماع نظر وجود دارد که روند مذکور به افزایش ارتباطات، رفت و آمدها و روابط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی میان جوامع مختلف اشاره دارد. جهانی شدن شامل طیف گسترده‌ای از تعاملات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است که تأثیرات چشمگیری تقریباً بر همه انسان‌ها و دولت‌ها به دنبال دارد (هینس، ۱۳۸۱، ۴۳-۴۲).

۳-۲- جهانی شدن اقتصاد و شهر

اقتصاد دنیا از طریق شکل‌گیری محصولات جهانی، بازارهای جهانی و اخیراً امور مالی جهانی، جهانی شده است. بر این اساس جریان‌های سرمایه جهانی با تدابیر بین‌المللی اقتصادی به شدت افزایش می‌یابد این موج جریانهای مالی در مقیاس بین‌المللی باعث ظهور اقتصاد جهانی گردیده که به شدت رقابتی و به‌طور فزاینده در حال جهانی شدن است. با پیشرفت و تداوم روند جهانی شدن اقتصادی، شرکت‌های چند ملیتی و بانکها اهمیت خود را در اقتصاد جهانی افزایش داده و دولت - ملت‌ها دیگر تنها نهاد مسلط و کنترل کننده معاملات و مبادلاتی که از مرزها عبور می‌کنند نیستند (هیون کیم، ۱۳۸۶، ۴). بنابراین عرصه برای حضور سایر بازیگران با در اختیار داشتن قدرت‌های متفاوت از جمله دولت‌های محلی و شهرها گسترده‌تر می‌گردد. در همین چارچوب است که برخی شهر را کانون جهانی شدن دانسته‌اند زیرا شبکه جهانی با حلقه شهرها به هم ارتباط می‌یابد (افضلی، ۱۳۸۶، ۸). نظام جهانی تولید، بازار، امور مالی، خدمات ارتباطاتی، فرهنگ و سیاست در حال ظهور از نظر فضایی از طریق شبکه جهانی شهرها شکل می‌گیرد و تغییرات جهانی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اثرات زیادی بر تجدید ساختار شهرها در اطراف جهان دارد (نصیری ۱۳۸۸، ۳).

۳-۳- جهانی شدن در عرصه سیاسی

چنین به نظر می‌رسد که جهانی شدن در صدد درهم شکستن چهارچوب سنتی سیاسی و بنای طرح نازدای از امنیت می‌باشد که منطبق حاکم بر آن با آنچه تاکنون شناخته می‌شد متفاوت است. مهمترین تحولی که در رخ می‌دهد بی اعتبارسازی الگوی دولت - ملت و تأسیس جامعه‌ای به هم پیوسته به بزرگی جهان می‌باشد که از آن به جامعه جهانی و اعضای آن به شهروندان جهانی یاد می‌شود. مانوئل کاستلز با طرح مقوله جامعه شبکه‌ای عملاً با در هم شکستن چهارچوب پیشین قدرت مدعی می‌شود که با توجه به شروع عصر اطلاعات و پشت سر گذاشتن عصر ارتباطات ما در هزاره سوم وارد فضایی می‌شویم که در آن کل جهان به‌مثابه‌اندام واره‌ای واحد ارزیابی می‌گردد تمامی افراد، موسسات و واحدهای سیاسی اجزای این اندام واره هستند (افتخاری، ۱۳۸۰، ۱۵-۱۶). اما باید دید جایگاه این واحدهای سیاسی نسبت به یکدیگر چگونه است و چه تأثیری بر قدرت هر یک خواهد گذاشت.

توسعه شبکه‌ها و رسانه‌های جدید از توانایی دولت‌ها در کنترل افکار عمومی به میزان قابل توجهی کاسته است. این تحولات باعث تضعیف نظم و دیپلماسی دولت محور و شکل‌گیری نظم متکثرو بازتعریف مفهوم دیپلماسی شده است. در زمینه اقتصادی، رشد فزاینده تجارت الکترونیک و فعالیت شرکت‌های خصوصی و گسترش مناسبات بازار آزاد به نحو چشمگیری آزادی عمل دولت‌ها در کنترل فعالیت‌های اقتصادی را محدود ساخته است. در زمینه سیاسی نیز رشد سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های جامعه مدنی جهانی، بر آزادی عمل دولت‌ها تأثیرگذار می‌باشد (وحیدی، ۱۳۸۹، ۱۱۱).

امروزه در فرایند جهانی شدن شاهد آنیم که دولت - ملت‌ها به‌منظور حفظ جایگاه خود باید بخشی از اقتدار خود را در پایین دست به نهادهای محلی و بخشی را به نهادهای بالا دست نظیر نهادهای منطقه‌ای واگذار کنند. ضمناً بخش دیگری از قدرت دولت‌ها نیز در جهت پایین به سازمان‌های محلی و گروه‌های فشار بومی در حال انتقال است. جدا از این، بخش قابل توجهی از قدرت دولت به‌صورت عرضی به نهادهای ارگان‌های بازار

واگذار شده است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸، ۱۶۹). تشکیل قلمرو عمومی جهانی موجب درهم تنیدگی محیط امنیت داخلی و بین‌المللی شده که این تغییر در محیط امنیتی باعث ظهور تهدیدات و چالش‌های جدیدی مانند تروریسم، جنایات سازمان یافته، تغییرات آب و هوایی، مهاجرت‌های غیرقانونی، جنگ‌های داخلی و غیره شده که بیشتر جنبه فراملی، غیر سرزمینی و نامتقارن دارند که با کاهش ظرفیت تولید امنیت دولت‌ها، زمینه همکاری آنها با بازیگران مختلف از جمله شهرها را فراهم ساخته است (وحیدی، ۱۳۸۹، ۱۰۶).

۴-۳- دیپلماسی شهری

بنا بر تعریف کمیته دیپلماسی شهری، دیپلماسی شهری ابزار دولت‌های محلی و مؤسسات وابسته به آنها در ارتقاء انسجام اجتماعی، جلوگیری از اختلاف و کشمکش، رفع و حل اختلافات و اجراء برنامه‌های بازسازی پس از جنگ با هدف ایجاد محیطی ثابت که در آن شهروندان با یکدیگر در صلح، دموکراسی و رفاه زندگی کنند می‌باشد. همچنین در تعریف دیگری از دیپلماسی شهری، آن را شامل نهادها و فرایندهایی تعریف می‌کنند که شهرها با هدف معرفی خود و بیان منافع شان به یکدیگر در روابط با بازیگران عرصه بین‌المللی در آن درگیر می‌شوند (Sizoo, 2008, 10).

دیپلماسی شهری را می‌توان به‌عنوان ارتباط میان گروه‌های سیاسی دولت‌های محلی تلقی نمود. به‌طور خاص دیپلماسی شهری در جایگاه سازمان‌ها و فرایندهایی نمود می‌یابد که دولت‌های محلی از طریق آن منافع و علایق خود را در سطح بین‌المللی بیان می‌کنند. امروزه مناطق کلان شهری به‌طور فزاینده‌ای در حال شکل‌گیری هستند و از طریق پیوندهای شبکه جهانی، اینترنت، تلفن، سرمایه و انتقال هوایی و دریایی با یکدیگر در ارتباط هستند، در چنین شرایطی شهرها به‌عنوان کانون و گره اصلی این ارتباطات عمل می‌کنند. این نوع دیپلماسی به‌دلیل چندلایه شدن جوامع و عدم توفیق دیپلماسی رسمی در شناسایی، مدیریت و تأمین تمامی نیازهای شهروندان خود در تعاملات بین‌المللی ظهور می‌یابد و از آنجا که دیپلماسی رسمی در خدمت اهداف کلی و سیاسی به‌نوعی بازوی سیاست خارجی دولت‌های ملی محسوب می‌شود، از این‌رو دیپلماسی شهری به‌عنوان ابزاری در خدمت نمایندگان نهادها و سازمان‌های مدنی در مدیریت نیازهای شهروندان قرار می‌گیرد (قورچی، امانی، ۱۳۸۸، ۲۳).

امروزه شهرها در سازمان‌ها و انجمن‌های بین‌المللی چند جانبه از طریق ابزارهای قدرت نرم، تمایل به افزایش نفوذ خود در سطح بین‌المللی داشته و می‌کوشند تا دیدگاهها و ارزش‌های خود را در سطح بین‌المللی از طریق به‌کارگیری هنجارسازی، به‌عنوان ارزش‌های جهان شمول معرفی و نفوذ خود را نهادینه کنند (قورچی، ۱۳۸۸، ۲۲). همان‌طور که حقوق بین‌الملل مبنای عمل دولت‌های ملی در عرصه بین‌المللی است، رویه و هنجارهای سازمان‌ها و انجمن‌های بین‌المللی غیر انتفاعی شهری نیز می‌تواند مبنای عمل شهرداری‌ها در عرصه بین‌المللی باشد. دولت‌های محلی برای مشارکت در گفتگو و صلح و ایجاد محیطی امن برای شهروندانشان احساس مسئولیت می‌کنند. آنها سابقه طولانی در مشارکت در مسائل بین‌المللی داشته و پیش از این نیز با اختلافات داخلی برخورد نموده‌اند دولت‌های محلی لایه‌ای از حکومت‌اند که غالباً بیش از سایرین تحت تأثیر مستقیم اختلافات و جنگ می‌باشند. آنها ارتباطات طولانی با شهرداری‌های هم‌تای خود در خارج از

کشورهایشان داشته و در جایگاهها و بخشهای مرتبط بین‌المللی در کنار یکدیگر فعالیت می‌کنند. بازیگران بین‌المللی از قبیل سازمان ملل متحد، بخشهای اجرائی فراملی، نیروهای حافظ صلح و سازمان‌های غیردولتی به‌طور فزاینده اهمیت حضور دولت‌های محلی در عرصه بین‌المللی را درک کرده و با دولت‌های محلی و سازمان‌های ملی وابسته به آنها همکاری می‌کنند (Sizoo, 2008, 9). به‌طور خلاصه اگر بخواهیم ابعاد دیپلماسی شهری را به‌لحاظ حوزه عملکردشان بیان کنیم، می‌توان به حوزه‌های امنیت، اقتصاد، توسعه، فرهنگ، سازمان‌های بین‌المللی و اقتصاد اشاره کرد (Pluijijm, 2007, 19).

۴- یافته‌های تحقیق

در طی گذشت سالها، دیپلماسی شهری با عبارات متفاوت از قبیل دیپلماسی کلان شهری، دیپلماسی شهروندی و دیپلماسی شهر با شهر بیان شده است. پیش از این به نقش دولت‌های محلی و سازمان‌ها و نهادهای شهری در سایر کشورها در جهت رفع کشمکش و برقراری صلح توجهی نمی‌شد و این قابلیت که می‌تواند خارج از محیط درگیری و از طریق مشارکت شهر با شهر به ایفای نقش در حمایت از رفع کشمکش و برقراری صلح در سراسر جهان پردازند مورد اقبال نبود. گردهمایی جهانی محلی که شبکه‌ای از شهرهاست، یکی از اولین کاربران عبارت دیپلماسی شهری در رابطه با برقراری و ایجاد صلح بود. در سال ۲۰۰۵، سازمان جهانی شهرهای متحد دولت‌های محلی، کمیته تخصصی دیپلماسی شهری را تشکیل داد. اهداف این کمیته شامل تعریف نقش دولت‌های محلی در ارتقاء انسجام اجتماعی، جلوگیری از کشمکش، رفع و حل درگیری و بازسازی پس از جنگ و در یک کلمه برقراری صلح می‌باشد (Sizoo, 2007, 1).

علی‌رغم این حقیقت که بسیاری از افراد، حل اختلافات را وظیفه اصلی شهرها نمی‌دانند، در سال‌های اخیر رفع اختلافات و برقراری صلح به بُعد مهم دیپلماسی شهری تبدیل شده است و شهرها در مناطقی که دچار کشمکش بوده‌اند مثل کلمبیا، کوزوو و سیرالئون و حتی شهرهای واقع در محیط‌هایی که هم‌اکنون دچار اختلاف و کشمکش می‌باشند مثل عراق، اسرائیل و سرزمین‌های فلسطین و سریلانکا به‌صورت بسیار فعالی در حل اختلافات و برقراری صلح ظاهر شده‌اند (Pluijijm, 2007, 20). طی دهه‌های گذشته، گرایش آشکار در زمینه مشارکت‌های شهری نشان می‌دهد که برقراری روابط بین‌المللی دیگر زمینه خاص دولت‌های ملی نیست. دولت‌های محلی در سراسر جهان، برقراری روابط بین‌المللی را از طریق گسترش سیاست خارجی، مشارکت با دولت‌های محلی خارج از مرزها، ایجاد شبکه‌های لابی (نفوذ) برای محسوس نمودن اثرشان در جامعه بین‌المللی و غیره تجربه کرده‌اند. بنابراین دولت‌های محلی در پروژه‌های مشارکت بین‌المللی مشارکت کرده و به تبادل تجارب خود با همکارانشان در خارج از مرزها هستند. استدلال لزوم حضور دولت‌ها و نهادهای محلی از این جهت بدست می‌آید که دولت‌های محلی بیشتر و بیشتر با موقعیت کشمکش و جنگ داخلی روبرو هستند، بنابراین دولت‌های محلی به‌عنوان نزدیک‌ترین رابط دولت با شهروندان در قبال ایجاد و حفظ محیط ایمن و صلح‌آمیز برای شهروندان احساس مسئولیت می‌کنند.

۱-۴- مروری بر نقش آفرینی شهرها در عرصه فراملی

به لحاظ تاریخی، پس از جنگ جهانی دوم، شهرهای فرانسوی و آلمانی برنامه‌های مشارکتی را به منظور غلبه بر حس بی‌اعتمادی موجود آغاز کردند، این برنامه‌ها از سوی شهرهای بسیاری در سراسر اروپا (و حتی سراسر جهان) دنبال شد. این برنامه‌ها چارچوبی از آشتی و مشارکت را برای هزاران نفر پس از جنگ خانمان برانداز جهانی دوم ایجاد نمود. بعدها در سالهای ۱۹۸۰، دولت‌های محلی در اعتراض نسبت به سلاح‌های هسته‌ای به ایفای نقش پرداختند. بسیاری از آنها با هدف از بین بردن تصویر بدی از دشمن، پشت پرده آهنی به برقراری ارتباط پرداخته و در این میان برای حقیقت که آنها به دنبال برقراری ارتباط و تعامل با گروه‌های مخالف در اروپای شرقی هستند، پافشاری کردند. بسیاری از رهبران جنبش دموکراتیک در اروپای شرقی پس از تغییرات و اصلاحات سال ۱۹۸۹ اظهار داشتند که چگونه چنین ارتباطاتی با همکاران محلی در اروپای غربی در جهت گیری و انگیزه آنها مهم بوده است.

همچنین در سال ۱۹۸۲ در دومین جلسه خصوصی سازمان ملل پیرامون موضوع خلع سلاح که در مقر فرماندهی سازمان ملل در نیویورک برپا شد تأکیدی آراکی شهردار هیروشیما برنامه جدیدی را برای ارتقاء یکپارچگی شهرها در برابر لغو کامل سلاح‌های هسته‌ای ارائه نمود. این طرح پیشنهادی راهی را پیش روی شهرها گشود تا از مرزها فراتر رفته و با یکدیگر به منظور فشار برای لغو استفاده از سلاح‌های هسته‌ای همکاری نمایند. پس از آن، شهرداران هیروشیما و ناگازاکی از شهرداران سراسر جهان خواستند تا از این برنامه پشتیبانی نمایند. این طرح موجب ارائه طرح ابداع صلح شهرداران گردید. در سال ۱۹۸۸، مؤسسه بین‌المللی شهرهای پیام آور صلح تشکیل شد که هدف آن تعیین نقش و مسئولیت شهرها در ایجاد یک فرهنگ صلح بود. این مؤسسه براساس جایگاهش برای ایفای نقش در تحقق بخشیدن به اهداف و اصول سازمان ملل متحد در زمینه افزایش صلح و مشارکت بین افراد تلاش می‌نمود. در سال (۲۰۰۱)، گردهمایی جهانی محلی برپا شد و در آن بر نقش مرکزی شهرها در روابط بین‌الملل تأکید شد. هدف این گردهمایی تبیین و اثبات این اعتقاد بود که شهرداران به مرور به دیپلمات‌های جدیدی تبدیل شده‌اند و در موقعیت انتقال دهنده حسن نیت، انرژی و مهارت‌های جوامع مدنی به منظور ساخت محیطی هستند که در آن بتوان بر شکاف‌ها و کشمکش‌ها غلبه نمود.

۲-۴- دولت‌های محلی و دیپلماسی شهری

فعالیت‌های دیپلماسی شهری مکمل دیپلماسی دولتی در نظر گرفته می‌شود که با اهداف گوناگون و متفاوت در سطحی متفاوت عمل می‌کند. فعالیت‌های دیپلماسی شهری نه برای حذف نقش دیپلماسی دولت بلکه حمایت از آن می‌باشند، این مطلب با مفهوم حکمرانی چند سطحی، که در آن هر سطح از دولت با یکدیگر براساس مسئولیت و تخصص خود عمل می‌کند متناسب است، در حالی که هدف دیپلماسی دولت، حل مسائل سیاسی در سطح دولتی است، دیپلماسی شهری ابتدا منافع شهروندان را مورد نظر قرار می‌دهد. در موقعیت جنگ، دولت‌های محلی ممکن است از افراد گوناگون با پیش زمینه‌های متفاوت از جمله نمایندگان گروه‌های اقلیت تشکیل شود. دولت‌های محلی غالباً نقشی تثبیت کننده و مثبت در تعامل بین شهروندان و دولت ملی ایفا می‌کنند (Sizoo, 2007, 4).

در دیپلماسی شهر با شهر، نقش‌های متفاوتی برای دولت‌های محلی و سازمان‌ها و نهادهای شهری وجود دارد که می‌توان آنها را به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

۱) دولت محلی در جایگاه گروه فشار

دولت‌ها و سازمان‌های محلی همانند شهرداری‌ها و سایر سازمان‌های شهری با بیان پیام‌های واضح با هدف داشتن دنیایی صلح‌آمیز برای جلب حمایت مالی از برقراری صلح در سطح محلی اعمال نفوذ می‌کنند و به یکپارچه سازی دولت‌های محلی متأثر از جنگ و درگیری می‌پردازند. به‌طورمثال دولت‌های محلی ایتالیایی مرتباً اعتراض خود را نسبت به دستاوردهای جهانی که به نظر آنها مخلف صلح جهانی است ابراز می‌کنند. آنها گروه‌های فشار دولت مرکزی شان بوده و می‌توانند آراء سیاسی شهروندان خود را به رهبران ملی شان انتقال دهند. نمونه دیگر تلاش دولت‌های محلی در برخی کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌باشد که در قالب یک لابی سیاست بین‌المللی را در مقابل خاورمیانه زیر سؤال می‌برند و شهرداری‌های عضو شبکه صلح شهرهای اروپایی در خاورمیانه پیوندند.

۲) دولت و نهادهای محلی در جایگاه میانجی

دولت محلی میان طرفینی که به‌منظور نزدیک‌تر شدن روابط شان به دنبال واسطه‌ای بی طرف می‌باشند میانجی‌گری می‌کند. این امر به‌وسیله دیپلماسی سکوت، اقدامات و گفتگو برای جلوگیری از افراطی‌گری و استفاده از تعهدات و پیمان‌ها برای توجه بیشتر به موقعیت گروه‌های به حاشیه رانده شده و اقلیتها صورت می‌پذیرد (Sizoo, 2007, 6). درگیری بین کشورهای همسایه می‌تواند تأثیر مخربی بر رویکرد کلی و مشترک دولت‌ها داشته و موجب مسائل بین مرزی گردد و بر شرایط زندگی شهروندان هر دو کشور تأثیرگذار باشد. برای اساس دولت‌های محلی کشورهای درگیر از طریق فعالیت‌های دیپلماسی شهری دولت‌های محلی بی طرف، وادار به همکاری در زمینه پرداختن به حل مسائل شده و بیش از راهکارهای سیاسی بر راه حل‌های عملی تمرکز می‌کنند. این امر را می‌توان زیرمجموعه خاصی از پدیده مداخله طرف سوم دانست. دولت‌های محلی کشورهای درگیر جنگ از طریق دیپلماسی (ساکت) طرفین سوم برای بحث پیرامون شرایط (سیاسی) در چارچوبی مشارکتی وارد گفت‌وگو می‌شوند.

دولت‌های محلی از سایر قاردها و کشورها در صورتی می‌توانند از ابداعات در برقراری صلح و دولت محلی در گیر جنگ حمایت کنند که این ابداعات بر اساس تعهدات طولانی مدت، پشتکار دیپلماتیک، دانش کافی در مورد شرایط محلی و رویکردی فرایند محور که امکان رشد مشارکت و اعتماد را فراهم می‌سازد باشد (Kosovo conference, 2011, 11).

۳- دولت و سازمان محلی در جایگاه طرفین عملیات

دولت‌های محلی در عملیات مشارکتی در بخشهای درگیر جنگ و یا محلهایی که دوران پس از جنگ را می‌گذرانند مشارکت می‌کنند. این شکل مشارکت غیر متمرکز به منظور غلبه بر نتایج جنگ و درگیری و بازسازی جامعه بشری به کار می‌رود.

۳-۴) دیپلماسی شهری و نقش شهرها در حل منازعه و برقراری صلح

مسائل مربوط به حل اختلاف در سطح محلی، نمونه‌ای از مدیریت موفق جنگ توسط نهادهای محلی همچون دولت‌های محلی و سازمان‌ها و نهادهای شهری است. مدیریت جنگ و برقراری صلح بر اساس قابلیت یک دولت شهری در برقراری رابطه‌ای باز و خوش‌باورانه با شهروندان، سازمان‌ها و رهبران جامعه‌ای که نماینده گروه‌های مختلف در شهر می‌باشند قرار داده می‌شود (Bush, 2004, 23). همچنین دولت‌های محلی می‌توانند موجب به جریان افتادن گفت‌وگو و متعاقباً درک دو جانبه در مرزهای ملی گردند. استقلال محلی با آگاهی از اینکه یکی از اصول سازنده هر دولت غیر متمرکز می‌باشد، متضمن توانایی دولت‌های محلی در ارائه سیاست بین‌المللی و برقراری روابط بین‌المللی شان می‌باشد. از آنجا که نهادهای دولت محلی مجبورند مستقیماً با مسائل مربوط به دستورالعمل سیاسی نظم جهانی روبرو شوند، مقامات محلی کاملاً نسبت به تقاضا و ایفای نقش قابل ملاحظه‌ای در امور بین‌المللی مستقل می‌باشند. بنابراین می‌توان توجیه نمود که مقامات محلی نه تنها حق دخالت در عرصه بین‌المللی را دارند بلکه حتی از مسئولیت بارز در قبال مشارکت در مسائل جهانی اثرگذار بر امنیت و سلامت بشر برخوردارند. از این منظر و با توجه به نظم بین‌المللی، شهرها نهادهایی در خط مقدم این عرصه هستند که بر قانون بین‌المللی اثرگذارند. در نتیجه آنها برای شرکت در نقش‌آفرینی در یک سیستم حکمرانی از مشروعیت رسمی برخوردارند که مناسب و توانا و حتی در برخی حوزه‌ها فراملی می‌باشد (sizo, 2007: 4). فعالیتهای خاص دیپلماتیک شهرها در مناطقی که درگیر اختلاف می‌باشند به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند:

الف) فعالیت‌های قبل از ایجاد اختلاف

ابتدا آندسته از فعالیت‌های دیپلماتیکی وجود دارد که قبل از ایجاد اختلاف و شکل‌گیری هرگونه نزاعی انجام می‌شوند که دیپلماسی بازدارنده (Canill, 2000, 29). نامیده می‌شود. تلاش سازمان‌های شهری آمریکایی برای صلح ۲۰۰۳ به منظور ممانعت از جنگ آمریکا و عراق را می‌توان اولین نمونه از چنین فعالیت‌های دیپلماتیکی دانست. لازم به ذکر است بهترین فرصت‌ها برای جلوگیری از بالا گرفتن کشمکش در مراحل اولیه وقوع آن و قبل از تشدید اختلاف می‌باشد. به دلیل آنکه هرچه کشمکش بالا بگیرد، خطر جدی‌تر شدن موضع‌گیری طرفین بیشتر می‌شود و در نتیجه کمتر مایل به قبول مصالحه و راه‌حل‌های غیرنظامی و توافقات سیاسی می‌باشند. در این مرحله دیپلماسی شهری کارآمدترین گزینه در کشمکشی است که به‌طور مثال در یک کشور بین گروه‌های قومی به وجود آمده است.

جلوگیری از ایجاد کشمکش و وقوع جنگ به هشدارهای اولیه و واکنش دولت‌ها و سازمان‌های محلی بستگی دارد. دولت‌های محلی غالباً امکان و اختیاراتی برای ارائه یک برنامه واکنش سریع در اختیار دارند. در صورتی که کشوری نتواند امنیت را حفظ نماید و یا امکان حمایت از شهروندان خود را نداشته باشد، در این

وضعیت دولت‌های محلی نقش فزاینده‌ای ایفا می‌کنند. دیپلماسی شهری می‌تواند دولت‌های محلی را از طریق شبکه سازی، تشکیل ائتلاف و فعالیت‌های گروهی با مشارکت سازمان‌های فعال جامعه مدنی در این زمینه یاری رساند (Sizzo, 2007, 6). به‌عنوان نمونه مشارکت بین‌المللی شهرها و یا پیمان‌های خواهر خواندگی می‌تواند فرصتهایی را در اختیار دولت محلی قرار دهد که در این بین هر دو طرف مشارکت از آن بهره می‌برند. رابطه طولانی‌مدتی بر اعتماد شهرها در عرصه بین‌المللی به استحکام ظرفیتهای دولت محلی و گشودن راه آینده کمک می‌کند از آنجا که توسعه و پیشرفت موجب برقراری امنیت و بالعکس می‌گردد (Pluijm, 2007, 20-22).

ب) فعالیت‌های زمان اختلاف

نوع دیگر فعالیت‌های دیپلماتیک شهرها در این حوزه شامل فعالیت‌هایی است که در زمان درگیری انجام می‌گردد. حضور شهرهای اروپایی در مسئله سرزمین‌های فلسطینی علی‌الخصوص زمانی که دولت‌ها نمی‌توانند با دولت حماس مشارکت نمایند نمونه‌ای از این فعالیت‌هاست (Pluijm, 2007, 20-22). انجمن کلان شهرهای هلندی و شبکه اروپایی مقامات محلی اهدافی چون برقراری گفت‌وگو میان شهرهای اسرائیلی و فلسطینی، نفوذ در اتحادیه اروپا برای ایجاد جنبشی بزرگتر و حمایت از برقراری صلح بین این دو کشور را دنبال می‌کنند. پروژه‌های این سازمان‌ها بر توسعه اقتصادی و اجتماعی در زمینه‌هایی از قبیل آب، بهداشت، آموزش، امکانات رفاهی، خدمات اجتماعی، کشاورزی و موارد زیرساختی نیز متمرکز می‌باشد (Hemert, 2008, 174). همچنین حضور شهروندان کشورهای مختلف در قالب کاروان‌های صلح به غزه نمونه‌های جالب توجهی از این مورد می‌باشد که در این مورد شهرها از موقعیت خوبی برای ادامه گفتگوها و اراکه کمک برخوردارند (Pluijm, 2007, 20-22).

ج) فعالیت‌های بعد از منازعه

آخرین دسته فعالیت‌های دیپلماتیک شهرها در حوزه جنگی، آن دسته از فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که پس از پایان یافتن جنگ اجرا می‌شوند. بسیاری از برنامه‌های بازسازی پس از جنگ از سوی دولت‌های محلی را می‌توان از این دسته دانست. جدا از برنامه‌های توسعه بسیاری از فعالیت‌های دیپلماتیک پس از جنگ ارائه و بهبود ساختارهای دموکراتیک را مورد توجه قرار داده‌اند. به‌طور مثال شهر هلندی ردن با کمک دیگران از طریق برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها از ادغام دو دولت بوسنی و کروات در شهر فوجینیکا واقع در مرکز بوسنی حمایت نمود (Pluijm, 2007, 20-22). نمونه دوم مربوط به مقدونیه می‌باشد که در آن دستور العمل‌های مهمی از سطح ملی به سطح محلی منتقل شد و به پایان یافتن تنش میان آلبانی تبارهای مقدونیه و اسلاوها در بیشتر شهرها و مناطق و همچنین در سطح ملی کمک نمود (Kosovo conference, 2011, 5).

یکی دیگر از فعالیت‌های مهم شهرها و نهادهای محلی در مرحله پس از منازعه و درگیری، مجموعه تلاش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آنها در بحث بازسازی است. بازسازی پس از جنگ توسط دولت محلی را می‌توان به شرح زیر تعریف نمود: حمایت پس از جنگ و پشتیبانی از ظهور مجدد حکومت مؤثرو قانونی و یا دولت در سطح فروملی. این مطلب مستلزم ارتقاء شهروندی و ایجاد فرصت‌های برابر برای تمامی شهروندان بدون توجه به پیشینه فرهنگی و قومی می‌باشد. اکثر اوقات دولت‌های محلی در بازسازی پس از جنگ می‌بایست با

میراث جنگ (ویرانی، بیکاری، ضربه‌های روحی، گروهی از پناهندگان و یا افراد بیخانمان، نبود منابع، گرایش‌های ملی‌گرای قوی، نبود مشروعیت و استقلال محلی و چالش‌های عمومی اثرگذار) به‌منظور ایجاد دولتی بازتر و دموکراتیک روبرو شوند.

حوزه‌هایی که در آن دولت محلی به عملیات بازسازی می‌پردازد شامل پروژه‌های ثابت درحوزه بازسازی خدمات شهری وامکانات رفاهی، بازسازی مدارس، کتابخانه‌ها، مراکز مجاور و غیره، برنامه‌های اجتماعی برای شهروندانی که بیش از همه آسیب دیده‌اند، ارائه مدل‌هایی برای مشارکت شهروندان و غیره می‌باشد. کمک فنی و یکپارچگی بین‌المللی را می‌توان از طریق عملیات مشارکت غیرمتمرکز در اختیار دولت‌های محلی که در دوران پس از جنگ به بازسازی و دموکراسی سازی می‌پردازند ارائه داد. این عملیات را می‌توان دریاری رساندن به طرفین به‌منظور غلبه بر نتایج جنگ و درگیری و تشکیل مجدد جامعه بشری هماهنگ به‌کاربرد (Sizzo, 2007, 7).

به‌عنوان نمونه پس از جنگ در یوگسلاوی سابق شاهد تلاش عظیمی از شهرهای اروپای غربی در جایگاه طرفین عملیاتی به‌منظور مشارکت در برنامه‌های بازسازی ارائه شده و حمایت شده از سوی جامعه بین‌المللی بودیم. این شهرها نه تنها به ساخت مجدد شهرها در کشورهای بالکان جدید کمک کردند بلکه با این کار آنها در بازگشت ایمن پناهنده گان یاری رسانده و به برقراری مجدد اعتماد میان گروه‌های قومی که مجبور به زندگی در کنار هم در یک محیط بودند کمک کردند. آنها در تأثیرگذاری بر انسجام اجتماعی شهرهای آسیب دیده از جنگ ایفای نقش نمودند. این پروژه‌ها در همکاری نزدیک با سازمان‌های جامعه مدنی از قبیل سازمان هلندی IKV تحقق یافت (Ibid, 8).

جدول ۱. کارکردها و فعالیت‌های شهرداری‌ها در زمینه حل اختلافات و برقراری صلح:

مشارکت مستقیم	فشار سیاسی	بالابردن آگاهی
<ul style="list-style-type: none"> - مشارکت در سیاست‌گذاری‌ها برای جلوگیری از ایجاد کشمکش. - مشارکت در عملیات مراقبت از قربانیان. - مشارکت در فعالیتهای کاهش تعداد ارتش‌های کوچک، ارتقاء خلع سلاح. - همکاری با برنامه‌های خلع سلاح متمرکز ساختن و منسجم نمودن برنامه‌ها برای مبارزین سابق و ارائه فرصت کاری برای نظامیان ارتش. - مشارکت در عملیات بازسازی 	<ul style="list-style-type: none"> - تأیید و تصویب پیشنهادات برای محکوم کردن حملات و اشنال نظامی و تناضای آتش بس. - حمایت از کمیسیون‌های ناظر حقوق بشر. - حمایت از مذاکرات خلع سلاح و جلوگیری از بسیج کودکان برای شرکت در جنگ و درگیری. 	<ul style="list-style-type: none"> - نقد تأثیرات جنگ و درگیری، تعدد سلاح‌های جنگی، نقض حقوق بشر در برنامه‌های رسانه محلی. - استقبال از پناهندگان و کودکان منطقه جنگ زده برای مدت زمان مشخص. - ابتکارات بین‌المللی برای حمایت از افراد تحت خطر.
<ul style="list-style-type: none"> - مشارکت در عملیات به‌منظور اصلاحات اجرایی، مشارکت و قابلیت مهار درگیری. - سازماندهی نظارت‌های انتخاباتی. - مشارکت در سیاست‌های محیط زیست، مدیریت آبه. - حمایت از عملیات مشترک توسعه. 	<ul style="list-style-type: none"> - برگزاری جلساتی برای امداد رسانان. - حمایت از توسعه مذاکرات برای افزایش قابلیت‌های مهار درگیری. 	<ul style="list-style-type: none"> - سازماندهی فعالیت‌هایی در جهت بالابردن آگاهی برای شناسایی ریشه‌های کشمکش. - خرید و فروش محصولات که موجب وخیم‌تر شدن درگیری مسلحانه نگردد.
<ul style="list-style-type: none"> - ارائه زیر ساخت‌های لازم برای برقراری جلسات شهرداران، فعالان در زمینه صلح در مناطق بی طرف. - بررسی روش‌های رفع دلایل بروز درگیری. 	<ul style="list-style-type: none"> - سازماندهی دأموورتهایی برای سیاستمداران شهری در یک ناحیه درگیر جنگ به‌منظور نشان دادن تأثیرات ابتکارات صلح. - تحت فشار قرض دادن به‌منظور پذیرش دستورالعمل‌های فعالان شهری و شبکه‌هایشان. 	<ul style="list-style-type: none"> - اشکار نمودن و همکاری در ابتکارات صلح، شبکه‌ها و سازمان‌های صلح و پخش اخبار صلح. - میزبانی جلسات و نشست‌های دو طرفین درگیری.

۵- تحلیل و نتیجه‌گیری

جهانی شدن و تمرکززدایی قدرت موجب تغییر در فضای روابط بین‌الملل از ابعاد گوناگون شامل تعدد بازیگران، چشم‌اندازها و نوع تعاملات گردیده است. بدین ترتیب حوزه روابط بین‌الملل دیگر قلمرو فعالیتی خاص دولت‌های ملی نبوده و بازیگران دیگری از جمله نهادهای نیمه دولتی، سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های فراملی، نهادها و سازمانهای شهری، دولت‌های محلی در این حوزه به فعالیت می‌پردازند. این تعدد بازیگر و همچنین تداخل و به هم پیوستگی حوزه سیاست‌های داخلی و خارجی موجب شکل‌گیری چالش‌ها و تضادهایی می‌گردد که به‌طور مستقیم و غیر مستقیم جوامع بشری را تحت تأثیر قرار می‌دهند و همکاری و مساعدت تمامی فعالان حوزه روابط بین‌الملل را می‌طلبد. از آنجا که دولت‌های محلی بیش از سایر بازیگران در معرض مستقیم چالش‌ها خصوصاً درگیری‌ها و اختلافات قرار دارند، این نهادها در صدد تلاش برای رفع درگیری‌ها و برقراری صلح با استفاده از ابزار موجود و با همکاری سایر دولت‌های محلی برآمده‌اند. ابزارهای در دسترس دولت‌های محلی و سازمانهای شهری همگی به برقراری ارتباط و پیوند خواهرخواندگی، مساعدت و کمک فنی، مشاوره در مورد توسعه سیاست شهری، مشارکت با شهروندان و سازمان‌های جامعه مدنی، افزایش آگاهی، ارتقاء درک متقابل محلی، برنامه‌های ارتقاء یکپارچگی بین‌المللی و حمایت و فعالیت‌های (گروه) نفوذ در سطح دولت‌های ملی و جامعه بین‌الملل و حوزه‌های نفوذ صلح و جنگ کمک می‌کنند.

مقامات محلی با برقراری شبکه‌های فراملی شهری، نه تنها بر انتقال تجربیات و فعالیت‌ها متمرکز می‌شوند بلکه به بیان منافع شهرها در سطحی گسترده‌تر می‌پردازند. فرایندهای موازی تمرکززدایی ایجاد فضای باز سیاسی، تنوع گسترده‌ای در حکمرانی شهری و روش‌های توسعه شهری ایجاد کرده است. در چنین محیطی که کشورها به گسترش انواع ارتباطات می‌پردازند؛ نقش کلیدی برای شهرها در نظر گرفته شده و جدا از تجارت و کشاورزی، بسیاری از مسائل کلیدی توسعه (حمل و نقل زیرساخت‌ها و همچنین مسائل توسعه اقتصادی و اجتماعی) شهر محور می‌باشند. بدین ترتیب با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت دیپلماسی شهری در زمینه برقراری صلح و امنیت از سه کارکرد متفاوت (۱) بالا بردن آگاهی در سطح محلی در مورد موقعیتی خاص و ارائه انواع حمایت‌ها (۲) فشار سیاسی برای حصول اطمینان از اینکه این فشارهای سیاسی به ارتقاء مذاکرات صلح کمک می‌کند و (۳) همکاری در زمینه حمایت از عملیات مشارکتی بین شهرها و تبادل دانش و اختصاص بودجه برای پروژه‌ها و عملیات پایدار برخوردار می‌باشد. تخصیص این کارکردها به دولت‌های محلی به‌مثابه تأثیرگذارترین رابط دولت ملی بر مسائل محلی، نقش و جایگاه آنها را قابل توجه می‌سازد.

منابع

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۰): ناامنی جهانی، پژوهشکده مطالعات اهرودی، تهران.
۲. افضل، محمدرضا (۱۳۸۶): جهانی شدن و موضوعات زیست محیطی در شهرهای بزرگ، نشریه علمی تحقیقی محیط زیست، شماره ۱۰، تهران.
۳. حاجی یوسفی، امیرمجد (۱۳۸۸): دولت جهانی شدن در خاورمیانه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۴. شورت، جانرنه (۱۳۸۲): نظم شهری، درآمدی بر شهرها، فرهنگ و قدرت، تهران.
۵. قورچی، مرتضی. محمدامانی (۱۳۸۸): دیپلماسی شهری در فرایند جهانی شدن، دانش شهر: شماره ۷ بهمن ماه، گروه پژوهشی روابط بین الملل و دیپلماسی شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی، تهران.
۶. نای، جوزف (۱۳۸۷): رهبری و قدرت هوشمند، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، تهران.
۷. نصیری، اسماعیل (۱۳۸۸): جهانی شدن و چالشهای شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، انتشارات گنج هنر و پرهام نقش، تهران.
۸. هینس، جف (۱۳۸۱): دین، جهانی شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم، داوود کیانی (مترجم)، پژوهشکده مطالعات اهرودی، تهران.
۹. هیون کیم، یونگ. جان رنه شورت (۱۳۸۶): جهانی شدن و شهر، پانته آ لطفی کاظمی (مترجم)، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
۱۰. وحیدی، موسی الرضا (۱۳۸۹): دیپلماسی در جهان در حال تحول (سازو کارها و کارکردهای نوین)، مرکز چاپ و نشر وزارت امور خارجه، تهران.
11. Local Government Paving The Way for a European Future Input paper Conference, Kosovo. (2011)
12. Bush, Kenneth (2004) Building Capacity for Peace And Unity(The Role of Local Government in Peace-building), CIDA.
13. Canill, Kevin.M (2000) Preventive Diplomacy, Stopping Wars Before They Start, Routledge, New York.
14. Dembinski, Ludwic. Dordnecht, Nijhoff (1988) Modern Low of Diplomacy, online.
15. Hemert, Chris Van (2008) a case study in city diplomacy (the municipal Alliance in Peace in Middle East), online.
16. Melissen, Jan (2011) Beyond the New Public Diplomacy, Netherland Institute of International Relations, Hague.
17. Phuijm, Rogier Van Der. Jan Melissen (2007) "City Diplomacy: The Expanding Role of Cities in International Politics", Netherlands Institute Of International Relations, Clingendael.
18. Rourke, John T. (2008) International politics on the world stage, McGraw Hill, New York.
19. Sizoo, Alexandra (2007) Concept Paper on City Diplomacy, VNG, Hague.
20. Thonon, Cecile Barbeito (2006) City Diplomacy Practices, city diplomacy office of diputacio Barcelona, Barcelona.